

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال ششم ♦ شماره ۱۲ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹ ♦ صفحات: ۱۳۲-۱۱۵

بررسی انتقادی گستره‌ی عصمت انبیا از دیدگاه

ابن تیمیه

علیرضا کهنسال*

صفدر رجب زاده**

چکیده

گستره‌ی عصمت پیامبران از دیدگاه ابن تیمیه از این قرار است که وی در باب عصمت در مقام دریافت و ابلاغ وحی، گرچه ادعای اجماع کرده و خود بر آن دلیل آورده؛ اما با پذیرش افسانه غرانیق این اعتقاد را مخدوش ساخته است. در مورد عصمت انبیا از شرک و کفر پیش از بعثت، در موضعی دوگانه هم به عصمت و هم به عدم عصمت سخن گفته و همین تناقضات در مورد ارتکاب کبایر بعد از بعثت نیز در آثار او مشهود است. اگر جمع میان این تعارضات ممکن باشد، ابن تیمیه هیچ گناهی را در هیچ زمانی و بر هیچ پیامبری ناروا نمی‌داند، جز آنکه پیامبران را در گناهان مستقر نمی‌پندارد و با دلیل حسن توبه، بر آن شده که توبه پیامبران از گناه سبب رفعت مقام ایشان می‌شود. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی، ابعاد عصمت انبیا را از دیدگاه ابن تیمیه بازخوانی کند و به این سؤال پاسخ دهد که دیدگاه وی در مورد گستره‌ی عصمت انبیا به اعتبار نظر و عمل، به اعتبار زمان قبل بعثت و زمان بعد بعثت، چیست؟ در پایان، این نتایج به دست آمده است که دیدگاه ابن تیمیه اولاً برخاسته از بغض و کینه نسبت به شیعه است نه استدلال و منطق؛ ثانیاً اهداف پیامبران و نقش تربیتی آنها را زیر سؤال می‌برد؛ ثالثاً هدف از بعثت انبیا را عبث و بی‌معنا می‌کند و رابعاً با حکمت الهی ناسازگار است.

کلیدواژه‌ها: عصمت انبیا، ابن تیمیه، گستره‌ی عصمت، کفر، کبائر.

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی دانشگاه فردوسی: kohansal-a@um.ac.ir

** دانش پژوه رشته کلام مقارن سطح چهار مدرسه علمیه نواب (نویسنده مسئول): s.rajabzadeh1370@gmail.com

طرح مسئله

اصل مسئله عصمت انبیا از سوی متکلمان و مفسران و علمای مذاهب مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما این موضوع که انبیا در چه عرصه‌هایی معصومند؛ همواره در طول تاریخ مورد اختلاف صاحب نظران بوده است؛ برخی همانند مشهور متکلمان امامیه^۱ عصمت انبیا را از بدو تولد تا پایان عمر دانسته‌اند و فرقی بین زمان قبل از بعثت و بعد از آن، قائل نشده‌اند و معتقدند پیامبران قبل از بعثت موحد و خداپرست بوده و هیچ گونه گناه کبیره و یا صغیره‌ای را مرتکب نشده‌اند؛ اما برخی مانند بزرگان اشاعره، عصمت را به زمان بعد از بعثت اختصاص داده‌اند و معتقداند ارتکاب معاصی، چه صغیره و چه کبیره بر پیامبر ممتنع نیست و عقلاً هم ارسال کسی که بعد از کفر، ایمان می‌آورد ممتنع نخواهد بود.^۲ همچنین در این که پیامبران الهی فقط در دریافت و ابلاغ وحی معصومند یا دامنه عصمت فراتر است و این که آیا پیامبران از همه گناهان معصومند یا فقط مرتکب گناهان کبیره نمی‌شوند؛ و نیز در مورد عصمت از خطا و نسیان و اشتباه میان صاحب نظران اختلاف وجود دارد.

یکی از کسانی که قائل به عصمت حداقلی می‌باشد، ابن تیمیه است. وی به تفصیل در آثار خود، به‌ویژه منهاج السنه به دلایل و گستره‌ی عصمت پرداخته است. مقاله حاضر می‌کوشد، گستره‌ی و ابعاد عصمت انبیا را از دیدگاه ابن تیمیه بازخوانی نماید و به این سؤالات پاسخ دهد که دیدگاه وی در مورد گستره‌ی عصمت انبیا چیست و ایشان برای دیدگاه خود چه استدلالی دارد و تا چه اندازه استدلالش مورد قبول است و در مقابل، استدلال‌های طرف مخالف او تا چه اندازه منطقی است و او چه واکنشی به آنها دارد. از طرف دیگر تالی فاسدهای دیدگاه او چیست و او چگونه آنها را برمی‌تابد.

۱. عصمت در مقام دریافت و ابلاغ وحی

مراد از عصمت در مقام دریافت و ابلاغ وحی، این است که آیا انبیا وحی آسمانی را به صورت کامل و بدون نقص دریافت کرده‌اند یا اینکه شیطان در محتوای وحی تصرف

۱. صدوق، ابن بابویه، الاعتقادات فی دین الامامیه، ص ۳۶؛ حلی، حسن، انوارالملکوت فی شرح الیقوت، ص ۱۹۶؛ علم الهدی، سید مرتضی، تنزیه الانبیاء و الأنمه، ص ۳۴.

۲. آمدی، ابوالحسن، الإحکام فی اصول الأحکام، ج ۱، ص ۱۷۰. ایچی، عضد الدین، المواقف، ج ۳، ص ۴۲۷.

کرده است؟ در فرض دریافت وحی بدون زیادت و نقصان، آیا آن را به همان صورت حفظ کرده و به مردم رسانده‌اند یا اینکه ممکن است در زمان ابلاغ وحی الهی به مردم دچار خطا شده یا حتی به دروغ چیزی بر آن افزوده و یا از آن کاسته باشند؟ ابن تیمیه در پاسخ هر دو پرسش بر این باور است که انبیا در چنین مقامی از هر گونه گناه و خطای عمدی و سهوی معصومند وی در این باره می‌نویسد:

«آنان (مسلمانان) هم عقیده‌اند که پیامبران در آنچه از سوی خدا ابلاغ می‌کنند، معصومند و این مقصود رسالت است؛ همانا رسول کسی است که امر و نهی خدا را می‌رساند و پیامبران در رساندن رسالت به اتفاق رأی مسلمانان معصومند به گونه‌ای که جایز نیست خطایی در این امور راه یابد»^۱.

او عباراتی به همین مضمون را، بارها در کتب خود در مواضع مختلف تکرار کرده و آن را به اجماع امت نسبت داده است؛^۲ حتی در برخی موارد عصمت در تبلیغ را به همه ادیان نسبت می‌دهد.^۳ گرچه ابن تیمیه عصمت پیامبران را پذیرفته است؛ اما در بحث افسانه‌گرایی از عبارت وی^۴ برداشت می‌شود که حتی عصمت در دریافت وحی و تبلیغ را نمی‌پذیرد؛ زیرا وقوع خطا بر آنان را می‌پذیرد؛ اما معتقد است که خداوند اجازه استقرار خطا را نمی‌دهد. معنای کلام او (برای نمونه در افسانه‌گرایی) این است که پیامبران خطا می‌کنند؛ اما آن خطا استمرار ندارد.

۱.۱. دلایل

ابن تیمیه در مورد عصمت در این مقام به ادله شرعی، عقلی و اجماع استناد می‌کند.^۵

۱.۱.۱. دلایل نقلی

الف) آیات

ابن تیمیه به آیه‌ی ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۶ استدلال می‌کند که آنچه که از

۱. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، ج ۱، ص ۴۷۰.

۲. همو، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۲۵۶.

۳. همو، الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۴.

۵. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

۶. سوره نجم، آیه ۳.



پیامبر صادر می شود وحی است و از روی هوا و هوس نیست یا به آیات ذیل استناد می کند:

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾^۱ ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾^۲ ﴿وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزَّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۳ از این آیات استفاده می شود که انبیا در مقام دریافت و ابلاغ مصون از خطا و گناهند.^۴

ب) روایات

وی به روایت پیامبر استناد می کند که حضرت فرمودند: «فإذا حدثتكم عن الله بشيء فخذوا به فإني لن أكذب على الله». بر اساس این روایت پیامبر در مقام ابلاغ پیام الهی مرتکب دروغ نشده است؛ چرا که در غیر این صورت حجت تمام نخواهد شد. ابن تیمیه در تحلیل این روایت بر این باور است که رسالت پیامبر، اقتضا دارد در آنچه که وی خیر می دهد صادق باشد و صدق دلالت بر انتفای کذب و خطا دارد؛ زیرا اگر خطا در ابلاغ وحی راه یابد و این خطا استمرار داشته باشد، دیگر بر آنچه که به عنوان وحی ابلاغ می شود، نمی توان خبر اطلاق کرد.^۵

ارزیابی دلایل نقلی

الف) دوری بودن استدلال

برای اثبات عصمت انبیا در مقام دریافت و ابلاغ وحی نمی توان به ادله شرعی اعم از آیات و روایات استناد کرد؛ چرا که قبل از ثبوت عصمت انبیا در این مقام، احتمال سهو و نسیان و تصرفات عمدی در وحی داده می شود؛ به عبارت دیگر، استناد به ادله شرعی در این جا مستلزم دور است؛ یعنی صحت و درستی مضمون وحی الهی که توسط انبیا بیان شده متوقف بر عصمت آنان از هر گونه سهو و خطا و تصرفات عمدی است. از طرف دیگر، عصمت هم متوقف بر درستی مضمون وحی شده است؛ پس دلیل بر عصمت در این

۱. سوره شوری، آیه ۲۴.

۲. سوره حاقه، آیه ۴۴.

۳. سوره نحل، آیه ۱۰۱.

۴. ابن تیمیه، احمد، الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح، ج ۱، ص ۱۴۲.

۵. همو، مجموع الفتاوى، ج ۱۵، ص ۱۹۱.

مقام باید دلیل عقلی محض باشد یا دلیلی مرکب از عقل و نقل که دلیل عقلی بر عصمت در تبلیغ دلالت کند و دلیل شرعی بر عصمت در سایر مقامات دلالت کند.^۱

ب) بطلان اجماع

اولاً؛ ادعای اتفاق و اجماع بر عصمت در مقام دریافت و ابلاغ وحی از سوی ابن تیمیه مورد قبول نیست؛ چرا که با مراجعه به کتب کلامی معلوم می‌شود که این مسئله هم خالی از اختلاف نیست چنانچه قاضی ابوبکر باقلانی (متوفی ۴۰۳ق) که از بزرگان اشاعره به حساب می‌آید، کذب سهوی را در این زمینه جایز می‌داند.^۲ همچنین کسانی که افسانه غرانیق را نقل کرده و آن را می‌پذیرند خواسته یا ناخواسته عصمت انبیا را در تلقی و ابلاغ وحی نمی‌پذیرند.^۳ ابن تیمیه نیز از همین افراد است. ثانیاً؛ ابن تیمیه به گونه‌ای ادعای اجماع کرده و عقیده خود را به پیشینیان نسبت می‌دهد که برای مخاطبان چنین القا می‌شود که نظریات وی آینه تمام نمای تفکرات همه پیشینیان است؛ در حالی که با بررسی تاریخی نه تنها اجماع امت با وی همراه نیست؛ بلکه چه بسا برای مخالفت با تفکر او اجماع وجود دارد؛ مسئله‌ای که عده‌ای از آن به عنوان اتفاق یاد می‌کنند. عصمت از خود گناه است نه اینکه اجماع بر این باشد که گناه می‌کنند؛ اما بر آن استقرار ندارند؛ همان‌گونه که فخر رازی می‌گوید: «اجماع امت بر این است که از انبیا، کذب و تحریف در مقام تبلیغ، عمداً و سهواً صادر نمی‌شود».^۴

ج) تناقض گویی

با مراجعه به کتاب‌های ابن تیمیه متوجه وجود تناقضات فراوانی در کلام وی می‌شویم و همین تناقضات و اختلافات برای رد ادعاهای وی کافی است.^۵ او در یکی از ادعاهای خود، اجماع امت را معصوم دانسته و دلیل آن را حدیث «لا تجتمع امتی علی الضلالة» بیان کرده است؛^۶ در حالی که در موضعی دیگر معتقد است احدی بعد از پیامبر معصوم

۱. خرازی، سید محسن، بدایه المعارف فی شرح عقائد الامامیه، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. آمدی، ابوالحسن، الإحکام فی اصول الأحکام، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳. ر.ک. طبری، محمد، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۵۰. سیوطی، جلال الدین، الدرالمشور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۳۶۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق التنزیل، ج ۴، ص ۳۰۱.

۴. رازی، فخر الدین، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۴۵۵.

۵. یعقوبی، محمد، فتاوی ابن تیمیه فی المیزان، ص ۴۱۴.

۶. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، ج ۸، ص ۳۵۰.



نیست و ادعای عصمت برای غیر ایشان ادعای باطلی است.^۱ ایشان در مقام دریافت وحی، دو نوع اجماع مطرح می‌کند، چنانچه قبلاً اشاره شد یک بار می‌گوید: «انبیا از آنچه خبر می‌دهند معصومند؛ به این معنا که عمداً و سهواً دروغ نمی‌گویند و با خداوند مخالفت نمی‌کنند و آنچه می‌گویند مطابق فرمایشات خداوند است».^۲ و بار دیگر بخاطر اینکه افسانه‌های غرائبق را پذیرفته است ادعای اجماع می‌کند: «عصمت انبیا در تبلیغ ثابت است؛ پس به اتفاق مسلمین در تبلیغ استقرار برگناه ندارند و خطا نمی‌کنند».^۳

این تناقضات ابن تیمیه به خاطر مبنای اوست که بر جمود به ظواهر آیات تأکید دارد و بدون تحلیل به نقل آنها پرداخته و منکر تأویل و مجاز در قرآن است.^۴ اشکال دیگر او پذیرش روایات مجعول است. ابن تیمیه طبق همان مبانی ظاهرگرایی، روایاتی را که به اسرائیلیات مشهورند و بر عدم عصمت انبیا دلالت دارند صحیح دانسته است و به همان معنای ظاهری حمل می‌کند. حال یکی از اسرائیلیات، افسانه‌های غرائبق است که با پذیرش این افسانه، عصمت انبیا در تبلیغ زیر سؤال می‌رود چنانچه ابن تیمیه می‌نویسد: «شیطان آیات را بر زبان پیامبر جاری کرد؛ اما خداوند آن را نسخ کرد، این چنین تفسیر از سلف وارد شده است و هیچ محدوریتی ندارد زمانی این حرف در تبلیغ رسالت مشکل ساز است که نبی بر آن اقرار کند؛ در حالی که نبی، معصوم است از اینکه اقرار و اعتراف به خطا کند».^۵ پذیرش افسانه‌های غرائبق از سوی ابن تیمیه آن قدر تأسف بار بوده است که حتی البانی سلفی توانسته آن را تحمل کند و نظر ابن تیمیه را در این باره رد می‌کند او معتقد است که همه روایاتی که به طرق مختلف از اهل سنت در مورد افسانه‌های غرائبق نقل شده به دلیل ارسال در سند، ضعیف و مجهول بودن روایان و اختلاف در متن، مردود است و قابل استناد نیست. وی در آخر می‌نویسد: «فثبت مما تقدم بطلان هذه القصة سنداً و متناً».^۶

۱. همو، مجموع الفتاوی، ج ۱۹، ص ۶۹.

۲. همو، النبوات، ص ۳۳۳.

۳. همو، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۹۰.

۴. عویس، محمد، ابن تیمیه لیس سلفیاً، ص ۲۶۲.

۵. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، ج ۱، ص ۴۷۱.

۶. البانی، محمد ناصر، نصب المجانبق لنسف قصة الغرائبق، ص ۲۵.

۲. ۱. ۱. دلیل عقلی

ابن تیمیه در مورد دلیل عقلی بر این باور است که جواز کذب بر پیامبر در تبلیغ با معجزه و مقصود رسالت انبیا منافات دارد. او در این باره می‌نویسد:

«خداوند صدور گناه پیامبری از پیامبران را ذکر نکرده است، مگر اینکه توبه وی را از آن گناه هم بیان کرده است. به دلیل همین ظواهر است که مردم در باب عصمت انبیا دو گروه شده‌اند: برخی بر این باورند که پیامبران از ارتکاب گناه معصومند، برخی هم به «عصمت از استمرار بر گناه» اعتقاد دارند؛ به ویژه بحث در تبلیغ رسالت که امت اسلامی اتفاق دارند که پیامبران معصومند از اینکه بر گناه استمرار داشته باشند؛ چرا که عدم عصمت با هدف رسالت و مدلول معجزه تناقض دارد»^۱. هدف از آوردن معجزه، اثبات صداقت انبیا در ادعای رسالتشان است؛ بنابراین، اعطای معجزه به انبیا عقلاً دلالت دارد بر اینکه آنچه پیامبران به خداوند نسبت می‌دهند حق است؛ زیرا اعطای معجزه به یک شخص بمنزله تأیید و تصدیق او در گفتارش است؛ حال اگر قرار باشد پیامبران به دروغ چیزی را به خداوند نسبت دهند تأیید چنین پیامبری با معجزه در حکم تصدیق کردن شخص دروغگو است.^۲

نکته قابل توجه این است که ابن تیمیه در مورد عصمت انبیا در مقام تلقی و ابلاغ فقط بحث کذب را مطرح می‌کند؛ در حالی که این دلیل، خطا، سهو و اشتباه در تلقی و ابلاغ را هم شامل می‌شود. به این بیان که تصدیق، آورنده معجزه همان طور که بر نفی کذب او دلالت دارد نشان می‌دهد که نبی، وحی را درست دریافت کرده و در مقام ابلاغ نیز خطایی صورت نگرفته است؛ زیرا همان گونه که تصدیق کذب قبیح است و از خداوند صادر نمی‌شود، تصدیق باطل و خلاف حق نیز قبیح است؛ یعنی اگر در مضمون وحی تغییری رخ دهد (هرچند که از روی خطا و فراموشی باشد) تصدیق کردن پیامبری که این گونه با انحراف وحی را به مردم برساند، خلاف حکمت است.^۳

۱. «إن الله سبحانه وتعالى لم يذكر عن نبي من الأنبياء ذنباً إلا ذكر توبته منه ولهذا كان الناس في عصمة الأنبياء على قولين أما أن يقولوا بالعصمة من فعلها وأما أن يقولوا بالعصمة من الإقرار عليها لا سيما فيما يتعلق بتبليغ الرسالة فإن الأمة متفقة على أن ذلك معصوم أن يقر فيه على خطأ فإن ذلك يناقض مقصد الرسالة ومدلول المعجزة». ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبويه، ج ۱۵، ص ۱۴۸.

۲. راشد التميمي، منصور، العصمة في ضوء عقيدة اهل السنة والجماعة، ص ۱۲۲.

۳. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۷۸.



ابن تیمیه معتقد است که تمام مردم اعم از مسلمان، یهود، نصاری بر این مسئله اتفاق نظر دارند که انبیا در تبلیغ رسالت صادق و معصوم بوده‌اند؛ چرا که مقصود از رسالت بدون عصمت حاصل نمی‌شود همان‌طور حضرت موسی خطاب به فرعون گفته است «وَ قَالَ مُوسَىٰ يَفْرَعُونَ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ حَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَيَّ اللَّهُ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ بنابراین، اگر جایز بدانیم نبی دروغ می‌گوید، بر ایشان اقرار کرده‌ایم که امکان دارد مواردی را رسول به دروغ گفته باشد بدون این که خدا گفته باشد.^۱

۲. گستره‌ی عصمت انبیا به اعتبار زمان

قلمروی عصمت انبیا از نظر زمان به دو مرحله تقسیم می‌شود:

۲.۱. عصمت انبیا قبل از بعثت

ابن تیمیه درباره عصمت انبیا قبل از بعثت در دو مرحله بحث می‌کند. عصمت انبیا از کفر و عصمت انبیا از گناه.

الف) عصمت از کفر

ابن تیمیه در مورد عصمت انبیا از کفر قائل به تفصیل است؛ او معتقد است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل بعثت از کفر معصوم بوده و خداوند ایشان را از عبادت او شان حفظ کرده است. وی در این باره می‌گوید: «نقل شده که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از عبادت بتها بیزاری می‌جسته؛ اما به صورت عمومی، مردم را از این عمل نهی نکرده؛ بلکه فقط خواص را نهی کرده است.»^۲

او در جای دیگر می‌نویسد: «این که گفته شده بت‌ها مبعوض پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند، واجب نیست برای هر پیامبری این‌گونه باشد؛ چرا که ایشان یک ویژگی خاص داشتند و آن این که ایشان سرور فرزندان آدم و پیامبری است که بین اهل کفر رشد کرده و به جهت این که با علم، هدایت، نصرت و قهر الهی مورد تأیید قرار گرفته، کامل‌تر از دیگران است.»^۳ از این

۱. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، ج ۱۵، ص ۱۹۱.

۲. ابن تیمیه، احمد، تفسیر آیات اشکلت، ج ۱، ص ۲۱۳.

۳. «وما ذکر أنه بغضت إليه الأوثان لا يجب أن يكون لكل نبي فانه سيد ولد آدم والرسول الذي ينشأ بين أهل الكفر الذين لا نبوة لهم يكون أكمل من غيره من جهة تأييد الله له بالعلم والهدى والنصر والقهر». ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوى،

فراز عبارت چنین به دست می‌آید که لازم نیست پیامبران از ابتدای عمر موحد باشند و پیامبر اسلام ﷺ هم اگر از بت‌ها بیزاری می‌جسته، بدان جهت است که خداوند او را با علم و هدایت و یاری و قهر خویش تأیید کرده است.

ابن تیمیه در مورد عصمت سایر انبیا از کفر می‌نویسد:

«اهل سنت در عصمت انبیا از کفر قبل از نبوت، اختلاف دارند؛ افراد کثیری از آنها همانند، ابن عطیه (متوفی ۵۴۱ق)^۱، بغوی (متوفی ۵۱۶ق)^۲ به عصمت معتقدند. ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶ق)^۳ تصریح کرده که خدای متعال پیامبر را قبل از نبوت از عبادت بت‌ها حفظ کرده است؛ اما تحقیق در این مسئله این است که خداوند پیامبران را از بهترین اقوامشان برمی‌گزیند همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^۴ و کسی که در میان مشرکین جاهل رشد کرده اگر بر دین آنان باشد تا زمانی که معروف به راست گویی و امانت داری باشد و آنچه را واجب می‌داند، انجام دهد و آنچه را زشت می‌داند ترک می‌کند، عیب، نقص و خواری بر او وارد نیست. چنین افرادی که بر دین مشرکان بوده‌اند مستحق عذاب نیستند و در این مورد چیزی که نفرت ایجاد کند و مانع از پذیرش سخن آنان باشد، وجود ندارد»^۵. از این عبارت وی به دست می‌آید که به عصمت سایر انبیا قبل از نبوت، عقیده ندارد و حتی آنان را از کفر هم معصوم نمی‌داند.

ب) عصمت از گناه

ابن تیمیه به عصمت انبیا قبل از بعثت در مورد گناهان اعم از کبیره و صغیره، اعتقادی ندارد و منتقد اعتقاد کسانی است که قائل به عصمت مطلق انبیا در این دوره‌اند. وی بر این باور است که هیچ دلیلی نداریم که ثابت کند انبیا قبل از بعثت معصوم بودند و تمام

ج ۱۵، ص ۳۱.

۱. ابن عطیه، المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۱۱۲.

۲. بغوی، تفسیر البغوی، ج ۷، ص ۲۰۱.

۳. ابن قتیبه، تاویل المختلف الحدیث، ص ۷۶.

۴. سوره انعام: ۱۲۴.

۵. «التحقیق أن الله سبحانه إنما یصطفی لرسالته من كان خیار قومه ومن نشأ بین قوم مشرکین جهال لم یکن علیه نقص إذا كان علی مثل دینهم إذا كان معروفاً بالصدق والأمانة وفعل ما یعرفون وجوبه وترك ما یعرفون قبحه قال تعالی وما كنا معذبین حتی نبعث رسولا فلم یکن هؤلاء مستوجبین العذاب ولیس فی هذا ما ینفر عن القبول منهم». ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱۵، ص ۳۰.



ادله عقلی ای که قائلین به عصمت در این دوره آورده‌اند، ضعیف است. ایشان در این باره می‌نویسد:

«گناه در صورتی با کمال منافات دارد و نقص برای پیامبر محسوب می‌شود که بر آن باقی بماند و از آن رجوع نکند و توبه نصح نکرده باشند؛ اما انبیا با توبه کردن، مقامشان از قبل بالاتر می‌رود همان‌طور که بعضی از سلف گفته‌اند: حضرت داود بعد از توبه کردن نسبت به پیش از گناه، فردی نیکوتر شد؛ چرا خداوند می‌فرماید: «ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين»^۱ او در جای دیگر می‌گوید: «اگر توبه محبوب‌ترین کار نزد خداوند نبود، گرامی‌ترین خلق خویش را به گناه گرفتار نمی‌ساخت.»^۲ منظور ابن تیمیه از گرامی‌ترین خلق همان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و منظور از گناه نیز، همان گناهی است که به زعم او خداوند به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت داده است: «ليغفر لك الله ما تقدم»^۳

۲.۲. نقد و بررسی دلیل ابن تیمیه

ابن تیمیه ادله متکلمین و حکما را نقد نکرده؛ بلکه با مغالطه دعوی بطلان آنها را مطرح کرده و بدون نقد عقلی دلایل، از آنها عبور کرده است. در باب عصمت، حکما و متکلمین برای عصمت انبیا از گناهان ادله عقلی ارائه کرده‌اند که در مقام نقد به آنها اشاره می‌کنیم.

الف) دلیل نقض غرض

یکی از دلایل اثبات عصمت این است که انبیا برای انجام هدف و مأموریت خاصی مبعوث شده‌اند خواه این هدف تعلیم و تربیت انسان‌ها باشد یا ابلاغ وحی و اتمام حجت؛ اگر انبیا معصوم نباشند این اهداف محقق نمی‌شود و نقض غرض خواهد بود و نقض غرض و کار عبث، بر خداوند محال است.^۴ هدف از بعثت انبیا محقق نمی‌شود مگر این که پیامبر خود سر مشق عملی و عینی تقوا و پاکدامنی باشد؛ مهمترین و نخستین ویژگی این است که خود پیامبر به آنچه توصیه می‌کند عمل کند و بین قول و فعل او هماهنگی برقرار باشد و همانند طبیعی نباشد که بیماران خود را به اجتناب از مواد مخدر، سیگار و ...

۱. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، ج ۲، ص ۴۳۲.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۱۰.

۳. سبحانی، جعفر، ابن تیمیه، فکرا و منهجا، ص ۱۸۰.

۴. فاضل مقداد، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، ص ۳۰۰.

توصیه می‌کند؛ اما خود معتاد به این مواد است؛ بنابراین، اگر پیامبری خود اهل فسق و فجور و ارتکاب معاصی باشد نه تنها نقش یک مربی الهی را از دست داده؛ بلکه عملاً سبب تشویق مردم به گناهکاری می‌شود و از آن جا که نقض غرض و ترغیب به معصیت هیچ‌یک با حکمت الهی سازگار نیست، لازم است پیامبران الهی از ارتکاب هر گونه گناهی مصون باشند.^۱ دلیل نقض غرض لزوم بعثت انبیا عصمت انبیا را به طور مطلق حتی قبل از بعثت ثابت کرده، چرا که وجود پیامبری که هیچ گونه سابقه گناه و معصیت ندارد، تأثیر بیشتری در تحصیل کامل اهداف تربیتی بعثت دارد.^۲

ب) دلیل اعتماد

اگر انبیا که مربی مردم هستند اعمالشان مطابق رفتارشان نباشد، اعتماد مردم به صحت گفتار آنها از بین می‌رود حال اگر پیامبر مردم را به دوری از گناه دعوت کند؛ اما خود مرتکب گناه شود موجب سلب اعتماد می‌شود.^۳ در این مورد، گناه بزرگ و کوچک (چه عمداً چه سهواً) فرقی نمی‌کند چرا که گناه خصوصیت مردم‌گریزی دارد. مردم سخن کسی را که سابقه روشنی دارد و مرتکب گناهی نشده است در مقابل گفته‌های شخصی که گاهی مرتکب اشتباهاتی می‌شود؛ اما بعداً از آنها دوری می‌کند، بیشتر می‌پذیرند.^۴ حال این باور ابن تیمیه که انبیا گناه می‌کنند؛ اما بلافاصله توبه می‌کنند با هدف بعثت انبیا سازگار نیست؛ زیرا انبیا آمده‌اند تا انسان‌ها را از ارتکاب گناه بازداشته و سعادت اخروی آنها را تضمین کنند، نه اینکه انسان‌ها را به گناه و گمراهی کشانده و آنها را از خداوند دور کنند؛ به دیگر سخن، در واقع هدف از بعثت پیامبران، این است که انسان گناه نکند و به واسطه ترك گناه رفعت مقام یابد نه اینکه گناه کند و سپس توبه کند تا رفعت مقام یابد! روشن است که میان این دو، تفاوت بسیاری است؛ بنابراین، بر خداوند حکیم، قبیح است که مردم را به تبعیت از کسی که خطا و گناه می‌کند، امر کند؛ پس لازم است انبیا از گناهان معصوم باشند.^۵

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقائد، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۲، ص ۷۵.

۳. مفید، محمد، النکت الاعتقادیه، ص ۳۷.

۴. بلاغی، محمد جواد، الهدی الی دین المصطفی، ج ۱، ص ۱۴۰.

۵. عبدالله شبر، حق الیقین فی معرفه اصول الدین، ص ۵۱.



سید مرتضی در این باره می نویسد: «ما می دانیم آن طور که از قول شخصی که در هیچ حالی از احوال و به هیچ وجهی از وجوه مرتکب کفر و گناه کبیره نشده است، آرامش پیدا می کنیم از قبول قول شخصی که در حالی از احوال کفر و گناه کبیره از او سر زده باشد گرچه از آنها توبه کند و مستحق عذاب نباشد، آرامش پیدا نمی کنیم؛ به همین سبب بسیاری از اوقات، مردم کسانی را که قبلاً فعل قبیحی از آنها سر زده باشد طعنه می زنند؛ گرچه از آن فعل توبه کرده باشد. مردم این را عیب و نقص و مضر و موثر در شخصیت می دانند و تجویز کبائر قبل از نبوت کمتر از تجویز در حال نبوت در کاستن از رتبه پیامبر و منفور کردن مردم از او نیست؛ گرچه یکی از آنها (گناه بعد از نبوت) در تفسیر و دور کردن مردم از دیگری (گناه قبل از نبوت) قوی تر است»^۱ شاید بتوان گفت که به خاطر همین سلب اعتماد است که بسیاری از علمای اهل سنت در این باره با ابن تیمیه مخالفت کرده و همانند متکلمان امامیه قائل به عصمت حداکثری اند؛ یعنی معتقدند پیامبر از ابتدای ولادت تا انتهای حیات هرگز مرتکب هیچ یک از گناهان کبیره و صغیره چه عمدا چه سهوا نخواهند شد در این جا از باب اختصار به دو نمونه اشاره می کنیم: زرقانی، یکی از علمای بزرگ فرقه مالکی در شرح خود بر کتاب موطأ مالک می نویسد: «بنابر قول صحیح پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از نبوت و قبل از آن، از گناهان کبیره و صغیره، سهوا یا عمدا، در ظاهر و باطن، خفا و آشکار، در حالت جدی و شوخی و خشنودی و غضب، معصوم است، چگونه معصوم نباشد؛ در حالی که همه ی صحابه بر تبعیت و تاسی به او در تمام افعالش اجماع دارند؟»^۲ دکتر مجد مکی در این باره می نویسد: «اگر انبیا الهی از ابتدای ولادت تا انتهای حیات از عصمت برخوردار نباشند، نه تنها اثر تربیتی لازم تحقق نخواهد یافت؛ بلکه اصولاً موجب سلب اعتماد مردم به آنها و در نهایت شک در رسالت و نبوت آنان خواهد شد و این خود با حکمت خداوند هرگز سازگاری ندارد».^۳ این دلیل نیز همان طور که عصمت انبیا از گناه را بعد از بعثت، ثابت می کند بر عصمت انبیا از گناه قبل از بعثت نیز دلالت دارد؛ زیرا صدور گناه از آنان قبل از بعثت یکی از موانع پذیرش دعوتشان است؛ بنابراین، لازم است

۱. علم الهدی، سید مرتضی، تنزیه الانبیا و الأئمه، ص ۲۰.

۲. زرقانی، شهاب الدین، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، ج ۷، ص ۳۲۷.

۳. مکی، مجلد، مجموعه ای کامل از عقاید اهل سنت، ج ۲، ص ۱۰۴.

خداوند این مانع را بردارد تا دعوت انبیا مورد پذیرش قرار گرفته و مردم در قبول دعوت آنان آرامش خاطر داشته باشند.

۲.۳. عصمت انبیا بعد از بعثت

ابن تیمیه درباره عصمت انبیا بعد از بعثت نیز در سه مرحله بحث می‌کند: عصمت انبیا از کفر، عصمت انبیا از کبایر و عصمت انبیا از صغایر.

الف) عصمت از کفر

ابن تیمیه معتقد است که انبیا بعد از بعثت، معصوم از شرک و کفرند. او در این باره می‌نویسد: «تمام انبیا از شرک و تکذیب موردی از موارد حق، منزّه‌اند»^۱

ابن تیمیه در مورد مصون بودن انبیا از کفر و شرک بعد از بعثت ادعای اجماع می‌کند و جالب توجه است که می‌گوید: «در این مسئله کسی مخالف نیست؛ مگر کسی که به گفتار او اعتبار نمی‌شود مثل شیعیان که آنها اظهار کفر را بر پیامبران از نوع تقیه جایز می‌دانند؛ البته این حرف از طریق لازم، اثبات می‌شود به این بیان که شیعیان صدور گناه بر انبیا را طبق تقیه جایز می‌دانند و هر گناهی طبق مبنای آنان کفر است در نتیجه صدور کفر از انبیا جایز است. او تصریح می‌کند که این حرف از توالی فاسد و لازمه مبنای آنان در تقیه است و گر نه ملتزم نیستند اینکه نبی کافر باشد.»^۲

ب) عصمت از کبایر

ابن تیمیه در مورد مصون بودن انبیا از گناهان کبیره با اشاره کردن به نظر اهل حدیث و سلف مبنی بر اینکه پیامبران از کبائر فقط معصومند، آن را به طور ضمنی پذیرفته است. وی این قول را به اکثر علمای اسلام نسبت می‌دهد و می‌گوید: «اعتقاد به اینکه انبیا از کبائر معصومند؛ قول اکثر علمای اسلام و جمیع فرقه‌ها حتی قول اغلب اهل کلام، است همان‌طور که ابوالحسن آمدی می‌گوید: این اعتقاد، قول اکثر اشاعره و همچنین قول اکثر اهل تفسیر و حدیث و فقهاست؛ بلکه نقل نشده از سلف و صحابه و تابعین مگر این که موافق این قول باشد.»^۳

برغم آنکه ابن تیمیه در این مواضع عصمت پیامبران را پذیرفته است؛ اما در مواضع

۱. ابن تیمیه، احمد، النبوات، ص ۳۰۱.

۲. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنه النبویه، ج ۲، ص ۴۱۸.

۳. همو، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۳۱۹.



دیگری با آن مخالفت کرده است و این تناقضات به همان مسلک ظاهرگرایی او باز می‌گردد. ابن تیمیه در برخی از عبارات خود به عصمت پیامبران از گناه باور ندارد و هیچ دلیلی بر لزوم عصمت نمی‌بیند. او بعد از این سخن که انبیا توبه را به تأخیر نمی‌انداختند و بر انجام گناهان اصرار نمی‌ورزیدند، به اجمال چنین می‌گوید که تعداد نصوص آیات و روایات در خصوص آمرزش گناهان پیامبران، بسیار است. وی با استناد به آیه «لِیَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ»،^۱ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در حوزه اعمال، معصوم ندانسته و معتقد است کسانی که قائل به عصمت پیامبرند، این نصوص را تأویل برده و گفته‌اند که منظور از «ما تقدم» گناه آدم و مراد از «ما تاخر» گناه امت پیامبر است. ابن تیمیه چنین تأویلی را از باب «تحریف الکلم عن مواضعه» می‌داند و آن را فاسد و باطل می‌شمرد.^۲

ج) عصمت از صغائر

با توضیحاتی در مورد دیدگاه ابن تیمیه پیرامون گناهان کبیره دادیم، روشن شد که وی به عصمت انبیا از گناهان صغیره، معتقد نیست و ارتکاب آن را برای پیامبران جایز می‌داند؛ لکن معتقد است پیامبران از گناه صغیره توبه می‌کنند و بر آن بازخواست نشده و خداوند آن را جبران می‌کند.^۳

ابن تیمیه استدلالی برای نظریه خود مبنی بر عدم عصمت انبیا از گناهان صغیره مطرح می‌کند مبنی بر اینکه خود خداوند به پیامبران خبر داده است، که من تواب و غفارم و از طرفی توبه از محبوب‌ترین عبادات نزد خدای سبحان است؛ بنابراین، انسان بعد از توبه کردن نزد خدا محبوب‌تر می‌شود و توبه از صغیره هیچ نقصی به حساب نمی‌آید؛ بلکه از مهمترین کمالات انسانی است که بر همه انسان‌ها واجب است.^۴

وی برای استناد ذنب صغیره به انبیا و نیکو بودن توبه به آیات قرآن اسناد می‌کند؛ آیاتی که در آنها خداوند از توبه انبیا مانند توبه آدم عَلَيْهِ السَّلَام و نوح عَلَيْهِ السَّلَام و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر داده است.^۵ همچنین ابن تیمیه به آیاتی استدلال می‌کند که خداوند بندگان را تشویق به توبه می‌کند.^۶

۱. سوره فتح: ۲.

۲. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۳۱۴.

۳. همان، ج ۴، ص ۳۲۰.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۵۱.

۵. اعراف: ۲۳؛ هود: ۴۷.

۶. نصر: ۳.

حاصل آنکه ابن تیمیه طبق مبنای خود که ظاهرگرایی است و مجاز در قرآن را قبول ندارد، تمام آیات و روایاتی که در مورد لغزش انبیا و درخواست مغفرت آنها از خداوند مطرح شده را حمل بر ظاهر کرده و این چنین قائل به عدم عصمت پیامبران از گناهان صغیره شد. شاید بتوان گفت که یکی از دلایلی که اصرار بر حمل به ظاهر آیات می‌کند، توجیه عمل خلفا باشد که قبل از اسلام مرتکب گناهان شدند؛ اما به گمان باطل او، با توبه به بالاترین درجه و مقام بعد از انبیا رسیدند. وی در این باره می‌نویسد: «نخستین ایمان آورندگان از مهاجرین و انصار بهترین مخلوق بعد از انبیا می‌باشند؛ آنها بعد توبه کردن از کفر و گناهان گذشته، به چنین مقامی نائل آمدند و کفر و گناهان گذشته هیچ عیبی و نقصی محسوب نمی‌شود»^۱ پاسخ استدلال او در تمسک به توبه نیز پیشتر گذشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی مفاهیم به کار رفته در آثار گوناگون ابن تیمیه، این نتیجه به دست آمد که وی گرچه در مورد عصمت پیامبران در مقام دریافت و ابلاغ وحی چنین عصمتی را می‌پذیرد؛ اما با پذیرش افسانه غرانیق دوباره این عصمت را مخدوش می‌کند. ابن تیمیه به اعتبار بعد عملی، در یک موضع، قائل به تفصیل است و صدور گناهان اعم از کبیره و صغیره قبل از بعثت برای انبیا را امری ممکن می‌داند و معتقد است که هیچ دلیل عقلی برای اثبات عصمت قبل از بعثت وجود ندارد و با ذکر اجماع علما بیان می‌دارد که آنچه برای انبیا لازم است، عصمت از گناهان کبیره در دوران نبوت است. وی با توجه به حمل آیات منافی عصمت بر ظاهر خود، عصمت از صغائر را لازم نمی‌داند و در موضعی دیگر، پیامبران را از هیچ گناهی پیراسته نپنداشته و بر آن است که حسن توبه، سبب رفعت مقام ایشان است. منشأ این تعارضات، ظاهرگرایی و دوری از درایت است. در بررسی دیدگاه ابن تیمیه به این نتیجه رسیدیم که اولاً: باور وی در مورد عصمت پیامبران در مقام دریافت و ابلاغ وحی خلاف آیات است؛ ثانیاً: باور وی در مورد عصمت به اعتبار بعد نظری و عملی، فلسفه بعثت انبیا را زیر سؤال برده و با حکمت الهی که دوری مردم از معصیت و گناه است، ناسازگار است.



منابع ١. قرآن كريم

الف) كتب

٢. ابن بابويه، ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين القمي (شيخ صدوق)، الاعتقادات في دين الامامية، بيروت: دارالمفيد، ١٣١٣ق.
٣. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، مجموع الفتاوى، جمع و ترتيب: الشيخ عبدالرحمن بن قاسم، ١، (بي جا)، ١٣٩٨ق.
٤. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، النبوات، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٠٢ق.
٥. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، منهاج السنة النبويه في نقض الكلام الشيعة القدرية، تحقيق: محمد رشاد سالم، ١، (بي جا) مؤسسه قرطبه، ١٤٠٦ق.
٦. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، الفتاوى الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا - مصطفى عبدالقادر عطا، ١، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ق.
٧. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، تفسير آيات أشكلت، مصحح: عبدالعزيز خليفه، رياض: مكتبة الرشد و الرياض، ١٤١١ق.
٨. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح، تحقيق: علي حسن ناصر، ١، الرياض: دارالعاصمه، ١٤١٤ق.
٩. ايجي، عضد الدين، الموافق، تحقيق: عبدالرحمن عميره، ١، بيروت: دارالجيل، ١٩٩٧ق.
١٠. الآمدى، ابوالحسن علي بن ابي علي بن محمد، الإحكام فى اصول الأحكام، تحقيق: عبدالرزاق غففى، بيروت: المكتب الاسلامى، [بى تا].
١١. البانى، محمدناصر، نصب المجانيق لنسف قصه الغرائق، بى جا، نرم افزار المكتبه الشامله، [بى تا].
١٢. بحراني، ميثم بن علي، قواعد المرام فى علم الكلام، قم: مكتبه آيه الله مرعشى النجفى، ١٣٩٨ق.
١٣. بلاغى، محمد جواد، الهدى الى دين المصطفى، بيروت: منشورات مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، [بى تا].
١٤. حسيني ميلانى، سيد على، عصمت از منظر فريقين (شيعه و اهل سنت)، ١، (بى جا) انتشارات الحقايق، ١٣٩٤ش.
١٥. حلى، حسن بن يوسف، انوارالملكوت فى شرح الياقوت، قم: انتشارات الرضى، ١٣٦٣ ش.
١٦. حيدرى، سيد كمال، العصمه فى ضوء منهج القرآنى، (بى جا)، انتشارات قم، ١٤٢٦ق.

۱۷. خرازی، سید محسن، **بدايه المعارف فی شرح عقائد الاماميه**، (بی جا)، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۰ ق.
۱۸. رازی، فخر الدین، **عصمة الانبياء**، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۱ ق.
۱۹. رازی، فخر الدین، **مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)**، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
۲۰. راشد التمیمی، منصور، **العصمه فی ضوء عقیده اهل السنه والجماعه**، چ ۱، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۳۵ ق.
۲۱. زرقانی، شهاب الدین محمد بن عبدالباقی بن یوسف، **شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه**، چ ۱، (بی جا)، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر، **الكشاف عن حقائق التنزیل**، (بی جا)، (بی تا).
۲۳. سبحانی، جعفر، **الالهيات علی هدی کتاب و السنه و العقل**، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. سبحانی، جعفر، ابن تیمیه، فکرا و منهجا: قراءه نقديه لعقائد و آراء ابن تیمیه و مناقشتها علی ضوء الكتاب العزيز، چ ۱، قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۳۲ ق.
۲۵. سبحانی، جعفر، **عصمة الانبياء فی القرآن الکریم**، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. سعیدی مهر، محمد، **آموزش کلام اسلامی**، قم، ناشر: کتاب طه، ۱۳۹۷ ش.
۲۷. السیوری الحلّی، فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، **ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين**، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۵ ق.
۲۸. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. شریینی، محمد اسماعیل، **رد شبهات حول عصمه النبی ﷺ فی ضوء السنه النبویه الشریفه**، مکتبه الشامله، [بی تا].
۳۰. صبیح، سید محمود، **اخطأ ابن تیمیه فی حق رسول الله و اهل بيته**، بیروت: دار زین العابدین، ۱۴۳۱ ق.
۳۱. ضیایی، رحمت الله، **کالبد شکافی عقاید و هابیت**، قم: نشر مشعر، [بی تا].
۳۲. طبری، محمد بن جریر، **جامع البيان فی تفسیر القرآن**، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۳۳. عبدالحمید، صائب، **ابن تیمیه حیاته و عقائده**، بیروت: الغدیر، ۱۴۳۲ ق.
۳۴. علم الهدی، سید مرتضی، **تنزیه الانبياء و الأئمه**، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. علم الهدی، سید مرتضی، **الشافی فی الامامه**، تهران: مؤسسه الصادق، ۱۴۱۰ ق.

۳۶. عویس، محمد مزوم، ابن تیمیه لیس سلفیا، چ ۱، طرابلس: دار النهضه العربيه، ۱۹۷۰ق.
۳۷. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد، قم: نشرین الملل، ۱۳۹۰ش.
۳۸. مظفر، محمدحسن، دلائل الصدیق لتهج الحق، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۳۸ق.
۳۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، النکت الاعتقادیه، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۴۰. مکی، مجد، مجموعه‌ای کامل از عقاید اهل سنت، ترجمه، شرح و توضیحات: فیض محمد بلوچ، چ ۱، انتشارات خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۹۴ش.
۴۱. موسوی، سید عبدالحمید، عصمت پیامبر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲ش.
۴۲. مینایی، بهروز، اندیشه کلامی عصمت؛ پیامدهای فقهی و اصولی فقهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ش.
۴۳. وهبی‌العاملی، شیخ مالک مصطفی، عصمة الانبیاء بحوث و تساولات، چ ۱، بیروت: دارالهادی، ۱۴۲۵ق.
۴۴. یعقوبی، شیخ محمد بن احمد، فتاوی ابن تیمیه فی المیزان، چ ۱، هند: مرکز اهل السنه برکات رضا، ۱۴۲۳ق.
۴۵. یوسفیان، حسن، شریفی، احمد حسین، پژوهشی در عصمت معصومان، تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷ش.

ب) مقالات

۴۶. اکبری، رضا و جمعی از نویسندگان، «گستره‌ی عصمت انبیا از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی»، فصلنامه آیین حکمت، ش ۱۲، س ۶، ص ۱۰۵-۱۳۲. دانشگاه باقرالعلوم، قم، ۱۳۹۳ش.
۴۷. پارسا، علیرضا، پریمی، علی، «گستره‌ی عصمت انبیا از دیدگاه فخر رازی»، پژوهشنامه فلسفه دین، ش ۲، س ۱۳، ص ۲۷-۵۲، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۹۴ش.
۴۸. مصطفوی، زهرا، «آراء متکلمان و آیات مورد استفاده ایشان در اثبات عصمت انبیا»، نشریه مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۴، ص ۱۱۱-۱۳۸، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ش.